



انقلاب یمن؛ فرصت‌ها و چالش‌های ایران بر اساس مدل راهبردی SWOT

مژگان قربانی*^۱

سرور سوری^۲

چکیده

مردم یمن با قیام در سال ۲۰۱۱، علی عبدالله صالح را از قدرت برکنار کردند و معاون وی منصور هادی ریاست جمهوری را به عهده گرفت که نتوانست مشکلات و چالش‌های این کشور را حل نماید؛ تصمیمات نسنجیده منصور هادی زمینه مناسبی را برای انقلاب دوم فراهم آورد. در این مرحله جنبش شیعی انصارالله رهبری اعتراضات را بر عهده گرفت. از آنجا که در این انقلاب از یک طرف جمعیت عظیمی از شیعیان درگیر شده‌اند و از طرف دیگر بعضی از کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به ایفای نقش و مداخله پرداخته‌اند، تبعاتی برای کشورهای شیعی منطقه به‌ویژه ایران به‌دنبال داشته‌است. بنابراین حضور انصارالله در ساختار سیاسی یمن و شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی ایران امری مهم تلقی می‌شود. مقاله حاضر با طرح این پرسش که فرصت‌ها و چالش‌های ایران در یمن کدامند سعی دارد ضمن تبیین انقلاب یمن به شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی ایران بپردازد. به این منظور این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از مدل SWOT در صدد ارائه

^۱. کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول).

m.ghorbani@ut.ac.ir

^۲. کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران.

s.soory1367@gmail.com

استراتژی مناسب به دستگاه دیپلماسی ایران می‌باشد. تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان می‌دهد که ایران با حمایت از مردم یمن می‌تواند از این موقعیت در جهت افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای خود بهره‌گیرد.

واژگان کلیدی: انقلاب یمن، انصارالله، ایران، قدرت منطقه‌ای، مدل راهبردی SWOT.

مقدمه

دامنه تغییراتی که با بیداری اسلامی در نظام سیاسی برخی کشورهای عربی اتفاق افتاده به داخل مرزهای این کشورها محدود نشده و جایگاه و نفوذ سایر کشورهای منطقه نیز از این تغییرات متأثر خواهد شد. این تغییرات گسترده نظم منطقه‌ای و توازن قوای موجود را بر هم خواهد زد که این امر خود فرصت‌ها و تهدیداتی را برای دیگر کشورها ایجاد می‌کند.

یمن به عنوان یکی از کشورهایی که دچار بیداری اسلامی شده است و نیز با توجه به اینکه در محیط امنیت منطقه‌ای خاورمیانه، قرار گرفته است، می‌تواند برای ایران حائز اهمیت فراوانی باشد که فرصت‌های مناسبی را برای ایران در راستای سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ برای تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای و هم‌فرستی را برای ایفای نقشی فعال در راستای امنیت‌سازی در منطقه خاورمیانه ایجاد می‌کند. همانطور که بوزان بیان کرده است «هر منطقه جغرافیایی باید نظام امنیتی منطقه‌ای خاص خود را داشته باشد چراکه این نظام تابع ویژگی منحصر‌بفرد اعضای آن منطقه است و اگرچه به اعتقاد بوزان مقولاتی چون تداخل جریان‌های قومی، ملی، دینی، مذهبی و بین‌المللی، خاورمیانه را درگیر نزاع‌های خونین ساخته و می‌سازد اما فرمول غرب برای حل بحران‌های خاورمیانه، بی‌معنی و حتی تشدیدکننده است و این کشورهای منطقه هستند که بر اساس مشترکات باید راهی برای برون‌رفت از این بحران‌ها ارائه دهند». (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ص ۱۰۲)

بنابراین از یک طرف حضور جنبش شیعی انصارالله به عنوان قوی‌ترین جریان سیاسی یمن و از طرف دیگر مداخله نظامی عربستان به عنوان یک قدرت منطقه‌ای رقیب ایران که در یمن به عنوان یکی از کشورهای منطقه رخ داده ایران را نیز در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی متأثر می‌سازد و در کنار فرصتهایی که برای این کشور به وجود می‌آورد، تهدیدهایی را نیز متوجه ایران می‌کند. اگر این چالش‌ها و فرصت‌ها را در کنار نقاط قوت و ضعفی که ایران از درون در عرصه سیاست خارجی دارد، قرار دهیم درمی‌یابیم که ایران برای حفظ امنیت و افزایش قدرت خود در خاورمیانه و ارائه راهکاری مناسب برای بحران‌ها در این منطقه باید به این عوامل توجه کند.

در همین راستا به منظور ارائه استراتژی مناسب در جهت ارتقای جایگاه ایران در منطقه خاورمیانه از روش توصیفی- تحلیلی^۱ SWOT در پژوهش حاضر بهره گرفته شده است. متن حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که انقلاب یمن چه فرصت‌ها و چالش‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران به وجود می‌آورد؟ و ایران چگونه می‌تواند از این مؤلفه‌ها در جهت بهبود سیاستگذاری‌های خود در رابطه با یمن استفاده کند؟ از این رو در ادامه، نخست نگاهی به سیر تحول انقلاب یمن خواهیم داشت و پس از آن قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موثر در یمن را بررسی و در نهایت فرصت‌ها، چالش‌ها و نقاط قوت و ضعف را بیان خواهیم کرد.

۱- سیر تحولات یمن

تا سال ۱۹۹۰ دو کشور در یمن وجود داشت- یکی در شمال و دیگری در جنوب- سوسیالیست‌ها در یمن جنوبی در سال ۱۹۶۷ دولتی به عنوان جمهوری دموکراتیک خلق یمن تشکیل دادند. در شمال نیز پس از شش سال جنگ داخلی (۱۹۶۸) بین سلطنت طلبان که عربستان، انگلیس و اردن حامی آن بودند از یک طرف و جمهوری خواهان با حمایت مصر از طرف دیگر، جمهوری خواهان پیروز شدند و جمهوری عربی یمنی را تشکیل دادند. جنگ قدرت بین دو کشور ادامه داشت. در نهایت با میانجیگری اتحادیه عرب در ۱۹۹۰ هر دو کشور در مورد حکومت مشترک یمن به توافق رسیدند. دو جمهوری عربی یمنی و جمهوری دموکراتیک خلق یمن با هم ادغام شدند و راه را برای تشکیل امروزی جمهوری یمن هموار کردند که علی عبدالله صالح رئیس جمهور شد. به منظور احترام به توافق برای تقسیم قدرت معاون رئیس جمهور از یمن جنوبی انتخاب شد. صلح شکننده خیلی طول نکشید و در سال ۱۹۹۴ منجر به جنگ داخلی شد. طوایف جنوب که از دست نیافتن به اهداف اتحاد به شدت ناراضی بودند دست به اقدام مسلحانه علیه دولت صنعا زدند اما دولت مرکزی به سرکوبی مبارزان مسلح جنوب پرداخت و این مسئله موجب شد تا ناراضی‌تری شدید مردم جنوب یمن تبدیل به آتشی زیر خاکستر شود. (www.tribuneindia.com, 2015)

بزرگ‌ترین مشکل یمن، علی عبدالله صالح رئیس جمهوری این کشور بود. رژیم یمن یک رژیم استبدادی و دیکتاتوری بود و مردم یمن به نوعی از تمام آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی بی بهره بودند. (شیرازی و مظلوم طبائی زواره، ۱۳۹۱: ص ۲۰- ۲۱)

^۱. Strengths, Weaknesses, Opportunities, Threats

به همین دلیل مردم یمن نیز همگام با مردم سایر کشورهای عربی که در پی تغییر الگوی اقتداری حکومت خود بودند، درصدد گذار به دموکراسی برآمدند و صدای اعتراض آنها در ۲۰۱۱ به صورت پراکنده در دانشگاه صنعا به گوش رسید. معترضان یمنی که در ابتدا خواستار انجام اصلاحاتی در ساختار حکومت بودند پس از تجمعات روز ۲۸ ژانویه ۲۰۱۱ خواستار برکناری علی عبدالله صالح شدند. (شه بخش، ۱۳۹۰: ص ۵)

صالح در اثر فشارهای متعدد غرب و عدم توانایی در برابر اعتراضات گسترده مردم یمن در ۲۳ آوریل ۲۰۱۱ از کناره‌گیری به شرط مصونیت وعده داد و در ۱۸ مه ۲۰۱۱ با امضای یک توافق نامه با مخالفان برای کناره‌گیری، طی یک ماه اعلام آمادگی کرد. وی در راستای ابتکار عمل شورای همکاری خلیج فارس قدرت را به معاون خود منصور هادی واگذار کرد و پس از اخذ مصونیت قضائی که گام دوم طرح بود، یمن را به سوی آمریکا ترک کرد. (موسوی، باقری و موسوی، ۱۳۹۲: ص ۱۹)

منصور هادی از ۲۷ فوریه ۲۰۱۲ رئیس‌جمهور یمن شد. هر چند به نظر می‌رسید با انتخاب رئیس‌جمهور جدید گام بزرگی رو به جلو برداشته شده اما بازماندگان رژیم صالح با کارشکنی در روند انتقالی قدرت مانعی واقعی در مسیر تحولات نوین یمن ایجاد کردند. به نحوی که چالش‌های دوره گذار جای چالش‌ها و بحران‌های دوره حکمرانی صالح را گرفت و افزون بر بحران‌های مزمن حراک جنوب، انصارالله در شمال و القاعده در مناطق کوهستانی و قبیله‌ای جنوب یمن و چالش‌های اقتصادی و امنیتی و هم‌چنین دخالت‌های خارجی عربستان و آمریکا، این کشور و دولت انتقالی آن با چالش‌های ساختاری مواجه شد. (مددی، ۱۳۹۳: ص ۴۱)

تلاش دولت برای تصویب برخی طرح‌ها مانند تقسیم یمن به شش اقلیم یا دو بخش شمال و جنوب و اداره کشور به شیوه فدرالی، بیش از آنکه در راستای تقویت وحدت ملی باشد، برای تضعیف بخش عمده‌ای از جمعیت کشور (شیعیان زیدی) انجام می‌گرفت و می‌توانست یمن را با خطر تجزیه مواجه کند. بی‌تردید چنین رخدادهایی نمی‌توانست مطلوب یمنی‌ها باشد. با گذشت سه سال از خیزش مردمی، یمنی‌ها به هیچ کدام از اهداف خود نرسیدند. (بابایی، ۱۳۹۴: ص ۹۶)

ناکارآمدی دولت در بسیاری از تعهدات خود همچون تشکیل دولتی متشکل از همه احزاب و گروه‌ها و ناتوانی در حل مشکلات اقتصادی سبب شد بار دیگر مردم جنبش اعتراضی ضد دولت این کشور را آغاز کنند. هدایت این حرکت گسترده مردمی را جنبش انصارالله به رهبری عبدالملک حوثی بر عهده گرفت و در ۲۲ ژانویه ۲۰۱۵ پس از آن‌که کاخ ریاست‌جمهوری توسط انصارالله تصرف شد منصور هادی از مقام خود استعفا داد و قبل از اینکه مجبور به فرار به عربستان شود، تلاشی ناموفق برای بازیابی اقتدار خود در عدن (یمن جنوبی) داشت. هدف منصور هادی از استعفا، ایجاد خلاء قدرت

۴

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

انقلاب یمن؛ فرصت‌ها و چالش‌های ایران بر اساس مدل راهبردی SWOT

مترجمان قربانی و همکار

و به تبع آن ایجاد اختلاف‌های داخلی و هرج و مرج در این کشور بود اما حوثی‌ها با تشکیل کمیته انقلابی برای اداره کشور خلاء کناره‌گیری رئیس‌جمهور را پر کردند. (بلوری، ۱۳۹۳: ص ۲)

گرایش انصارالله و کمیته‌های مردمی آن (شامل زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی و ترکیب دولت موقت) بیانگر آن است که رهبران انقلاب یمن عبور سریعتر از شرایط فعلی که توأم با نوعی هرج و مرج است را اولین گام برای رسیدن به فرآیند قانونی و اصلاح اساسی امور در یمن به حساب می‌آورند. رسیدن به فرمولی که در آن یک شورای ۵ تا ۷ نفره مرکب از رهبران مرکز، شمال و جنوب مسئولیت اداره نهاد ریاست جمهوری را به عهده بگیرد و یک نفر را به عنوان نخست‌وزیر موقت برای اداره امور تعیین کرده و کابینه توافقی را به وجود آورد. پس از برکناری منصور هادی از قدرت انصارالله طی بیانیه‌ای که به بیانیه قانون اساسی موسوم گردید، بر دولت توافقی و مشارکت همه گروه‌ها تاکید کرد. (زارعی، ۱۳۹۳: ص ۱)

شیعی بودن این جنبش و ترس کشور عربستان از روی کار آمدن دولت شیعی دیگر در منطقه نگرانی‌هایی را برای این کشور بوجود آورد. به همین علت آن‌ها با دخالت‌های خود در امور داخلی یمن سعی در مهار این جنبش کردند که موفق نشدند و بعد از فرار منصور هادی عربستان با ائتلاف ۹ کشور عربی منطقه به جز عمان از ششم فروردین ۱۳۹۴ (۲۶ مارس ۲۰۱۵) حملات گسترده‌ای علیه یمن تا کنون انجام داده است تا منصور هادی رئیس‌جمهور فراری و مستعفی یمن را به حاکمیت بازگرداند و از قدرت گرفتن انصارالله جلوگیری کند. (Sharp, 2015, P 2)

در نهایت اینکه تمهیدات اتخاذ شده از سوی دولت منصور هادی و تلاش‌های مقامات عربستان برای حذف شیعیان انصارالله از معادلات سیاسی یمن نه تنها موجب خنثی شدن قدرت انصارالله نشد بلکه این گروه توانست با استفاده از نفوذ و مقبولیت بالای خود مردم یمن را به خیابان‌ها بکشد و به قوی‌ترین جریان سیاسی این کشور تبدیل شود. (Naiyf, 2015)

۲- قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موثر در یمن

۲-۱- عربستان

عربستان به عنوان اصلی‌ترین همسایه یمن در حوزه شمالی این کشور همواره به تحولات درونی یمن حساسیت و توجهی خاص داشته است. سعودی‌ها به صورت تاریخی از شکل‌گیری یمنی مستقل و پیشرفته نگران بوده و همواره خواستار تداوم حیات یمن به عنوان کشوری عقب مانده و تحت سیطره

خود بودند. به همین خاطر در دوره حکومت صالح سعی کرد با ابزارهای مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به سیطره و کنترل خود بر یمن ادامه دهد.

در حالی که خیزش عمومی مردم یمن در سال ۲۰۱۱ خیزشی برای دستیابی به آرمان‌های تاریخی مانند استقلال سیاسی و توسعه اقتصادی و مبارزه با سیطره خارجی بود، سعودی‌ها تلاش کردند با ابتکار موسوم به «ابتکار شورای همکاری خلیج فارس» این قیام را کنترل و مدیریت کنند و با حاکم کردن منصور هادی تا حد زیادی به این هدف دست یافتند. اما قیام دوم مردم یمن به رهبری انصارالله به انحلال حکومت هادی انجامید و در عمل باعث منتفی شدن ابتکار شورای همکاری شد. این تحول به مفهوم از دست رفتن سیطره و نفوذ تاریخی عربستان در یمن بود و در نتیجه باعث تجاوز نظامی سعودی‌ها به یمن در چارچوب ائتلافی نوین شد. (مددی، ۱۳۹۴: ص ۶۳) از دیگر اقدامات مهم ائتلاف سعودی، اعمال محاصره نظامی و اقتصادی یمن در عرصه‌های مختلف هوایی، دریایی و زمینی و کسب حمایت سازمان‌ها و قدرت‌های بین‌المللی در جنگ علیه یمن بود که باعث تصویب قطعنامه‌ای به نفع این ائتلاف شد. در این قطعنامه علاوه بر اینکه بر مشروعیت دولت منصور هادی تاکید شده، محدودیت‌هایی جدی علیه انصارالله (تحریم تسلیحاتی) ایجاد کرد.

ائتلاف عربستان در جنگ یمن برخی اهداف مهم منطقه‌ای را در رقابت با ایران نیز دنبال می‌کند که عمده‌ترین آن‌ها تشدید جبهه بندی سیاسی و امنیتی موجود در منطقه است. این ائتلاف سعی کرد جبهه سیاسی وسیعی را با بهره‌گیری از فضای جنگ یمن در مقابل محور مقاومت شکل دهد. در واقع عربستان انصارالله را متحد بالقوه ایران می‌داند و قدرت‌گیری آن‌ها در یمن را مکمل هلال شیعی می‌داند و نگران قدرت منطقه‌ای ایران / شیعه که فراتر از عراق، سوریه، لبنان در حال حاضر یمن را نیز در بر می‌گیرد، می‌باشد. (Mariwany, 2015)

علاوه بر این‌ها عربستان نگرانی‌های دیگری نیز در رابطه با یمن دارد که به شرح ذیل می‌باشد:

- تاثیر هرگونه بی‌ثباتی و ناامنی در یمن برای عربستان: به دلیل پیوستگی امنیتی دو کشور عربستان و یمن در ابعاد سرزمینی (به خصوص تنگه باب المندب) بالطبع تداوم هرگونه ناامنی در یمن به درون عربستان سرریز خواهد شد. مخصوصاً که عربستان بیشترین نفت خود را پس از تنگه هرمز از تنگه باب المندب عبور می‌دهد که در صورت پیوستن یمنی‌ها به محور مقاومت برای آل سعود نگران‌کننده است به ویژه اینکه مسیر دیگر صدور نفت عربستان از تنگه هرمز و در مجاورت آب‌های سرزمینی ایران (رهبر محور مقاومت) می‌باشد. (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ص ۱۹-۲۰)

- عربستان نگران سرایت شورش‌ها به مناطق شیعه نشین کشورش می‌باشد چرا که بیش از دو میلیون شیعه یمنی در عربستان اقامت دارند و سعودی‌ها این مسئله را بالقوه تهدیدی برای امنیت خود می‌دانند. عربستان تصور می‌کند که در حال محاصره شدن توسط نظامی‌ها یا گروه‌های انقلابی است.

۲-۲- ایران

یمن از دو نظر برای ایران اهمیت زیادی دارد:

- **از نظر ایدئولوژی:** برخی تحلیلگران وجود ۴۰ درصد شیعه در یمن را دلیلی کافی برای مهم شدن این کشور در چشم جمهوری اسلامی می‌دانند؛ آنقدر مهم که به‌گفته آنها در آن‌جا دست به تشکیل «شاخه یمنی حزب‌الله» یعنی «انصارالله» بزند. با فراگیری موج اسلامی و انقلابی شیعیان یمن و تأسی گرفتن از مکتب حضرت امام و حرکت استکبار ستیزی انقلاب اسلامی، ایران به‌عنوان ام‌القری جهان اسلام به عنوان الگویی پیش روی انقلابیون این کشور قرار دارد. به‌طوری که در صنعا با بنرها و پوسترهایی در تأیید حزب‌الله و تصاویری از امام خمینی ره، همراه با شعارهایی نظیر «مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، لعنت بر یهودیان و پیروز باد اسلام»، تزئین شده است. لذا این موضوع می‌تواند دست برتر ایران را در معادلات منطقه به همراه داشته باشد.

- **از نظر استراتژی:** برخی دیگر از تحلیلگران معتقدند جدا از مسئله عقیدتی، این کشور به‌خاطر خلیج عدن به‌عنوان گذرگاه تانکرهای نفتی و راه دسترسی خلیج فارس به بازارهای بین‌المللی نیز برای ایران اهمیت دارد. پیشرفت‌های اخیر انصارالله در یمن می‌تواند تلنگری جدی برای مخالفان ایران باشد. چرا که موقعیت ژئواستراتژیک یمن و تسلط کامل بر بندر الحدیده و تنگه باب‌المنذب باعث نفوذ گروه‌های شیعی تا دهانه دریای سرخ محسوب می‌شود، از جهاتی با تصرف بندر حدیده توسط انصارالله کنترل دو تنگه مهم و حیاتی در اختیار شیعیان قرار دارد که می‌تواند نقش به‌سزایی در معادلات سیاسی و نظامی منطقه ایفا کند.

بدون شک جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان رهبر جبهه مقاومت در منطقه و حامی نهضت‌های رهایی‌بخش در سراسر جهان مطرح بوده است؛ اما این مسأله هیچ‌گاه به معنی تمایل ایران به مداخله در امور داخلی کشورهای دچار بحران نبوده است. شیعیان یمن و خصوصاً انصارالله به لحاظ گرایش‌های سیاسی و اعتقادی به کشورمان نزدیکی زیادی دارند و همین مسأله موجب شده که مردم یمن از ایران به‌عنوان رهبر جهان تشیع برای تشکیل یک حکومت دینی اصیل الگوبرداری کنند و در این راستا از حمایت‌های معنوی کشورمان بهره‌جویی کنند.

به همین خاطر ایران پس از تهاجم نظامی عربستان به یمن، ابتکارهای را برای حل بحران یمن پیشنهاد داد که عبارتند از:

۱- برقراری آتش‌بس و توقف سریع کلیه حملات نظامی خارجی

۲- ارسال فوری و بدون وقفه کمکهای انسان‌دوستانه (و پزشکی) برای مردم یمن

۳- از سرگیری گفتگوی ملی یمنی و تحت هدایت مردم یمن و با مشارکت نمایندگان تمام احزاب سیاسی و گروه‌های اجتماعی این کشور

۴- تشکیل دولت فراگیر وحدت ملی یمن

۲-۳- آمریکا

آمریکا در یمن به دنبال آن است تا از یک سو از تبدیل شدن یمن به عرصه‌ای برای فعالیت آزادانه القاعده پیشگیری کند (زنگ خطر زمانی به صدا درآمد که در ژانویه ۲۰۰۹ زیرمجموعه‌های القاعده در یمن و عربستان ادغام شده، یمن را پایگاه عملیات بعدی خود در شبه جزیره عرب اعلام کردند. این گروه یکی از بزرگترین صادرکنندگان تروریسم به جهان شد که آمریکا از آن به عنوان خطرناک‌ترین شاخه القاعده یاد می‌کند) و از سوی دیگر الگوی دموکراسی عربی را به مثابه آغازی برای تحول دموکراتیک منطقه مطرح سازد. هم چنین با توجه به جایگاه حساس یمن و اشراف آن بر تنگه باب المندب، گسترش ناامنی در این کشور تهدیداتی را متوجه امنیت انرژی خاورمیانه می‌کند. آمریکا و دیگر کشورهای غربی با استقرار ناوگان دریایی خود در دریای سرخ به دنبال این هستند که عرضه بدون وقفه نفت به طرف کشورهای غربی و بازماندن تنگه باب‌المندب برای حرکت کشتیرانی بین‌المللی بدون سیطره هیچ گروه یا سازمان مسلح حفظ شود که در صورت رسیدن گروه انصارالله به تنگه باب‌المندب معادلات تغییر خواهد کرد. این مسئله تنها به ایران که تنگه هرمز را در دست دارد، اجازه می‌دهد که هم پیمان او تسلط بر تنگه مهم و حیاتی در منطقه را دارا باشد که این مسئله بر آینده حمل‌ونقل انرژی در منطقه تأثیرگذار خواهد بود. (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ص ۲۱-۲۶)

به همین خاطر آمریکایی‌ها در ابتدا تلاش کردند بعد از برکناری صالح با مدیریت و جهت دهی به انقلاب یمن حکومت مورد نظر خود را سرکار بیاورند که موفق شدند. ولی بعد از انقلاب دوم و فرار منصور هادی عرصه را به عربستان واگذار کردند تا از طریق این کشور به مدیریت تحولات یمن بپردازند. از آنجا که عربستان در زمره متحدان راهبردی آمریکا در منطقه محسوب می‌شود هرگونه کنش عملیاتی نیروهای نظامی عربستان در یمن تابعی از هماهنگ سازی‌های راهبردی با آمریکا محسوب می‌شود. (نورمحمدی، جوکار و فرجی، ۱۳۹۲: ص ۹۲)

بنابراین به طور کلی آمریکا در بحران یمن نقش فعالی نداشته و در حال حاضر نقش فعال را به عربستان واگذار کرده است و صرفاً به قطعنامه شورای امنیت مبنی بر تحریم جهت جلوگیری از پیشروی انصارالله اکتفا کرده است. در واقع آمریکا از طریق عربستان مبادرت به گسترش جنگ نیابتی در منطقه نموده است که اصلی‌ترین ویژگی جنگ‌های نیابتی را می‌توان تشدید بحران دانست که این امر زمینه‌های اولیه را برای رویارویی مستقیم بین کشورهای منطقه را به وجود می‌آورد. (Park, 2015)

۳- فرصت‌ها

۳-۱- افزایش نفوذ منطقه‌ای

رقابت تمامی بازیگران تاثیرگذار در تحولات جهان عرب بر محور «مهار تهدید» و افزایش «نقش و نفوذ» بوده است. رقابت ایران و عربستان بیشتر بر مبنای مهار نقش یکدیگر و افزایش نفوذ در کشورهای همسایه است تا بر محور رقابت شیعه و سنی. عربستان افزایش نقش منطقه‌ای ایران را به ضرر منافع و امنیت ملی خود می‌داند در حالی که ایران افزایش نقش و نفوذ منطقه‌ای خود را برای رفع تهدیدات امنیت ملی خود ضروری می‌داند.

بعد از بیداری اسلامی ایران نقش منحصر به فردی را در سیستم منطقه‌ای ایفا می‌کند. به طور کلی باید تاکید داشت که ایران از جمله کشورهایی محسوب می‌شود که حوزه امنیتی و همچنین حوزه جغرافیایی-سیاسی آن گسترش فراوانی یافته است. بر اساس چنین شرایطی، ایران تلاش موثری برای اجرایی سازی استراتژی تعامل سازنده با کشورهای منطقه باید ایفا کند. به هر میزان تاثیرگذاری منطقه‌ای ایران افزایش یابد، زمینه برای حداکثرسازی قدرت ملی و کاهش تهدیدات امنیتی فراروی ایران به وجود خواهد آمد. (جعفری و قاسمی، ۱۳۹۳: ص ۱۱)

ایران نیاز ندارد حکومت‌هایی دقیقاً مشابه جمهوری اسلامی در منطقه به وجود بیاید، بلکه نیاز دارد در فرصت بدست آمده برخی از مشکلات قدیمی خودش با بعضی کشورهای منطقه را حل کند؛ ضمن اینکه موقعیتی برای داشتن متحدین جدید خواهد داشت.

سرنگونی حکومت مستبد در یمن فضا را برای اعمال نفوذهای بیشتر ایران و افزایش قدرت ملی باز کرده است. (جهان بین و پرتو، ۱۳۹۱: ص ۱۶). با توجه به گرایش مردم یمن به ایران و ارزش‌های اسلامی که همان آرمان جمهوری اسلامی ایران در انقلاب ۱۳۵۷ است، پیش‌بینی می‌شود دولت جدیدی که در اثر انقلاب مردمی تشکیل خواهد شد، به طور طبیعی به برقراری ارتباط مطلوب تر با ایران گرایش خواهد داشت حتی با فرض تحقق نیافتن این پیش‌بینی، ایران در کوتاه‌مدت دست کم از

مزاومت‌ها و خصومت‌های حکومت قبلی یمن خلاصی خواهد یافت. (قربانی شیخ نشین و کارآزما، ۱۳۹۱: ص ۶)

۲-۳- گسترش نفوذ ایدئولوژیک ایران

با توجه به ویژگی‌های سیاسی، امنیتی و فرهنگی منابع قدرت ایران، سیاست منطقه‌ای این کشور همواره متأثر از دو مولفه مهم ژئوپلیتیک و جهت‌گیری ایدئولوژیک بوده است. بر اساس رویکرد رئالیسم تدافعی، در جهت افزایش منافع ملی، استفاده از ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران در مواجهه با بیداری اسلامی و از جمله یمن ابزاری مفید، موثر و نافذ می‌باشد. این رویه بایستی استراتژی‌های بلند در عرصه سیاست خارجی را مد نظر داشته و سعی در افزایش نفوذ، تقویت دوستان و گروه‌های همسو داشته و با عدم اتخاذ شیوه تهاجمی، تعصبات مخالفین منطقه‌ای را شعله ور نسازد. (جهان بین و پرتو، ۱۳۹۱: ص ۲۰)

ایران فرصت دارد مردم یمن را به یافتن الگوهای بومی و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی تشویق کند و تجربیات خود را به این کشور در ادامه مسیر دولت‌سازی منتقل کند. و با تقویت گفتمان و الگوی حکومتی بومی-اسلامی بر قدرت نرم خود در منطقه خاورمیانه بیفزاید. احتشامی معتقد است جمهوری اسلامی ایران نخستین حکومت اسلامی انقلابی بود که بر اساس دکترین دینی شکل گرفت. ایدئولوژی انقلاب اسلامی بر اساس آموزه‌های دینی و اسلامی شکل گرفته و قدرت یافتن مسلمانان در کشورهای منطقه در بسط ایدئولوژی انقلاب اسلامی تاثیر بسزایی خواهد داشت. (قربانی شیخ نشین و کارآزما، ۱۳۹۱: ص ۶-۷)

۳-۳- روی کار آمدن رژیم همسو با ایران

بدون شک یکی از اهداف مهم مردم یمن، اصلاح ساختار سیاسی به منظور افزایش مشارکت مدنی و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در کشورشان است. شعارها و نشانه‌های مورد استفاده در تظاهرات، تفکرات رهبران نشان دهنده ماهیت اسلامی نظام سیاسی است که بعداً در این کشور ایجاد می‌شود.

شکل‌گیری یک حکومت دموکراتیک و مبتنی بر شریعت اسلامی در یمن، نه تنها می‌تواند بر ضریب امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه بیفزاید، بلکه زمینه را برای همکاری‌های گسترده‌تر میان جمهوری اسلامی و دولت انتخابی در یمن فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، دستیابی به اهدافی همچون وحدت میان کشورهای اسلامی که از ابتدای انقلاب ایران همواره یکی از اهداف مورد تاکید

۱۰

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

انقلاب یمن؛ فرصت‌ها و چالش‌های ایران بر اساس مدل راهبردی SWOT

مژگان قربانی و همکار

جمهوری اسلامی ایران بوده است تنها در صورت تحقق نظام‌های مردم سالار در این کشور امکان پذیر است. (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ص ۷-۸)

۳-۴- قدرت یافتن شیعیان و فضای مانور بیشتر برای ایران در منطقه

برجسته‌تر شدن و مشارکت شیعیان در معادلات سیاسی آتی یمن، سیاست خارجی این کشور را در قبال ایران پس از چندین دهه تغییر داده و تعدیل خواهد کرد. ضمن آن که، حوزه نفوذ معنوی انقلاب اسلامی گسترش بیشتری پیدا می‌کند.

با توجه به وابسته بودن دولت عربی یمن به غرب، حرکت به سوی حکومت دموکراتیک در یمن در بسیاری موارد به قدرت یافتن شیعیان و فضای مانور بیشتر برای ایران در خاورمیانه منجر خواهد شد. این امر بویژه در یمن که ۴۰ درصد از آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، می‌تواند به روی کار آمدن دولتی با اکثریت شیعیان و همسو با ایران بینجامد. اتفاقی که در صورت رخ دادن، می‌تواند به چالش امنیتی برای عربستان با توجه به نقش عربستان در سرکوب قیام مردم این کشور منجر شود. از سوی دیگر هر گونه تغییری در حکومت یمن، تبعات امنیتی - سیاسی برای محور ضد مقاومت دارد. (موسوی، باقری و موسوی، ۱۳۹۲: ص ۱۳)

روی کار آمدن شیعیان در یمن می‌تواند مسئله امنیتی را برای منطقه شیعه نشین شرقی عربستان به وجود آورد. این امر به معنای سرآغاز نفوذ ایران در منطقه و قدرت‌گیری گروه‌ها و تشکیل رژیم‌های غیرهمسو یا ضدغربی و آمریکایی در منطقه خاورمیانه خواهد شد. (سلیمانی و قاسمی، ۱۳۹۳: ص ۱۶)

۳-۵- سرنوشت رژیم یمن که رویکردی استبدادی و ضد اسلامی داشت

علی عبدالله صالح، در یمن تلاش کرد تا در هم سوئی با سیاست‌های غرب یا به بهانه نفوذ ایران اسلام گرایان را در این کشور سرکوب کند. تحولات بعد از سرنوشتی حاکم این کشور حاکی از آن است که اسلام گرایان نقش موثری را در تحولات این کشور خواهند داشت. بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که در صورت برگزاری انتخابات آزاد در یمن اسلام گرایان پیروز احتمالی انتخابات خواهند بود. (موسوی، باقری و موسوی، ۱۳۹۲: ص ۱۲)

در واقع کنار رفتن حاکم این کشور و تسلط مردم بر سرنوشت خودشان باعث کناره‌گیری نسبی آمریکا شده و موازی شدن خواسته‌های مردمی این کشور با آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران نشان از چرخشی اساسی در سیاستگذاری جدید پسا انقلابی دارد که طبیعتاً ایران از این واقعیت ذی نفع است. (جهان بین و پرتو، ۱۳۹۱: ص ۱۴)

۳-۶- تنزل جایگاه و تضعیف اسرائیل در منطقه

از آنجا که ایران و اسرائیل همواره خود را مهم‌ترین رقیب/تهدید همه جانبه در مقابل یکدیگر تعریف کرده‌اند، تضعیف هر یک می‌تواند فرصت‌های مناسبی برای طرف مقابل در راستای بسط امنیت همه جانبه فراهم آورد. در این زمینه حتی غربی‌ها هم با بیداری اسلامی به این مسئله اذعان دارند که اسرائیل دچار انزوای سیاسی و اقتصادی در خاورمیانه شده است. در این زمینه می‌توان مدعی شد که تقویت گفتمان مقاومت اسلامی و تضعیف گفتمان سازش دال بر افول هژمونی این رژیم می‌باشد. (طاهری و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ص ۱۳)

ایران در کنار سوریه و حزب الله لبنان، همواره قائلان به گفتمان مقاومت اسلامی در مقابل اسرائیل محسوب شده‌اند که از نیروهای معتقد به این گفتمان در نوار غزه از جمله حماس، حمایت مادی و معنوی می‌کنند؛ در دو سال اخیر شاهد تلاش‌های ترکیه برای نقش آفرینی و معرفی خود به عنوان نیروی تاثیرگذار در گفتمان مقاومت اسلامی و حمایت از این گفتمان بوده‌ایم. با آغاز خیزش‌های اسلامی در منطقه خاورمیانه نوعی همسویی رفتاری از سوی دولت‌های منطقه در حمایت از گفتمان مقاومت اسلامی و افزایش فاصله از گفتمان سازش شاهد بودیم. تعقیب گفتمان مقاومت در صورتی که ایران بتواند یمن را نیز با خود همراه کند، به تقویت هم پیمانان منطقه‌ای ایران از جمله سوریه و لبنان و تضعیف دشمن یعنی اسرائیل خواهد انجامید. (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ص ۹-۱۰)

۳-۷- مخالفت با سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا

حادثه ۱۱ سپتامبر و لشکرکشی نظامی ایالات متحده آمریکا به خاورمیانه این فرصت را فراهم کرد که اشاعه لیبرال دموکراسی افزون بر ماهیت تبلیغی-تشویقی، ماهیتی عملیاتی بیابد. ایالات متحده تلاش داشت در چارچوب دولت سازی در افغانستان و به ویژه عراق الگوهای موفق را در خاورمیانه شکل دهد. از سوی دیگر می‌کوشید با فشار بر دولت‌های اقتدارگرای هم پیمان خود در خاورمیانه در قالب طرح خاورمیانه بزرگ اصلاحاتی همه جانبه در راستای توسعه سیاسی، اقتصادی و علمی-آموزشی انجام دهد که با شکست روبه رو شد.

شکست طرح خاورمیانه بزرگ و کاهش تهدید ناشی از اشاعه لیبرال دموکراسی در منطقه که جمهوری اسلامی از ابتدا مخالف جدی این طرح بود و آن را در راستای سيطرة اقتصادی، فرهنگی و سیاسی غرب در این بخش حساس جهان می‌دانست، تاثیر چشمگیری در افزایش امنیت سیاسی ایران دارد؛ کشوری که پس از وقوع انقلاب، با تشکیل حکومت اسلامی قائل به ارائه بدیلی کارآمده و پاسخگو با عنوان مردم سالاری دینی در مقابل لیبرال دموکراسی است. (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ص ۷)

۱۲

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

انقلاب یمن؛ فرصت‌ها و چالش‌های ایران بر اساس مدل راهبردی SWOT

مؤثرگان قربانی و همکار

وابستگی سران رژیم گذشته یمن به آمریکا باعث نفرت مردم این کشور از سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا شده است. انقلاب‌های اخیر عربی را چه ملی بدانیم و چه مذهبی و یا تلفیقی از هر دو، نکته اساسی و اشتراک همه این گرایش‌های دوری از سیاست‌های آمریکا است. (جهان بین و پرتو، ۱۳۹۱: ص ۱۳)

در مسئله قیام‌های مردمی کشورهای عربی منطقه، جمهوری اسلامی ایران به موضوع مردم سالاری تاکید کرده است در حالی که واکنش آمریکا در دوران ریاست جمهوری اوباما پس از شکست سیاست مهار جنبش‌ها و قیام‌های مردمی در خاورمیانه عربی بر هدایت و کنترل قیام‌های مردمی با هدف روی کار آوردن رهبران همسو یا دست کم جلوگیری از روی کار آمدن رهبران انقلابی و غرب ستیز تعلق گرفته است. ولی شواهد عینی تحولات اخیر یمن نشان از شکست طرح‌های آمریکایی است. (سلیمانی و قاسمی، ۱۳۹۳: ص ۱۷)

۳-۸- برهم خوردن موازنه قوای منطقه

دولت‌ها همواره به دلیل ترس از تهدید بقا و امنیت خود، از طریق بسیج و به کارگیری منابع داخلی یا تشکیل اتحاد و ائتلاف، می‌کوشند از قدرت‌یابی رقبای منطقه‌ای و جهانی خود جلوگیری کنند و به همین دلیل به موازنه سازی با آنها اقدام می‌کنند.

بیداری اسلامی در خاورمیانه و در پی آن سقوط رهبران و تغییر ساختار سیاسی آنها از جمله یمن به تغییر موازنه قوا در خاورمیانه منجر شد که در شرایط متغیر موازنه قدرت معادلات قدرت به نفع ایران خواهد شد. (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ص ۱۴)

۴- تهدیدات

۴-۱- شیعه هراسی/ایران هراسی

به باور فرید زکریا سیاست‌های راهبردی آمریکا در جنگ نرم با ایران در منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه حول دو محور اساسی ایران هراسی و شیعه هراسی و به ترتیب با طرح موضوع هلال شیعی و انتشار اخبار دروغین درباره قدرت هسته‌ای ایران شکل گرفته است. (خانی، ۱۳۹۲: ص ۱۱)

یکی از اهداف پروژه شیعه هراسی ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی به منظور تضعیف بیداری اسلام سیاسی می‌باشد، لذا سیاستمداران غربی سعی در تضعیف وحدت جهان اسلام و ایجاد اختلاف بین فرقه‌های مختلف اسلامی دارند. همانطور که امروز نمونه بارز آن را در فشارهای زیاد حکومت عربستان بر شیعیان یمن مشاهده می‌کنیم. طوری که ۲۲ مفتی وهابی عربستان اعلام کردند همانگونه که حزب الله لبنان و دیگر پیروان آنها در عراق می‌خواهند بر سرزمین‌های سنی نشین سیطره یابند،

شیعیان یمنی نیز می‌خواهند بر کشور یمن سیطره داشته باشند، بنابراین باید با آنها مقابله کرد. (مقیم‌ی و ستوده، ۱۳۹۲: ص ۱۰)

با وقوع جنگ آمریکا علیه حکومت عراق و فروپاشی رژیم بعث به رهبری صدام حسین، شیعیان عراق توانستند قدرت اصلی این کشور را بدست گیرند. این رویداد در کنار جنگ ۳۳ روزه حزب الله لبنان و اسرائیل که باعث تبدیل حزب الله به بازیگری مهم و تاثیرگذار در سطح منطقه گردید و به نفوذ و تاثیرگذاری ایران در تحولات منطقه خاورمیانه منجر گردید. این مسئله باعث شد نهادهای سیاسی امنیتی محافظه کار اهل سنت نسبت به افزایش قدرت و نفوذ شیعیان بویژه ایران و پیدایش نوعی هلال شیعی موثر در منطقه اظهار نگرانی کنند. در پی بیداری اسلامی و موج اعتراضات در کشورهایی چون بحرین و یمن که جمعیت شیعه مذهب دارند، بار دیگر بسیاری از کشورهای سنی مذهب چنین القا کردند که ریشه این اعتراضات در دخالت و حمایت کشورهای شیعه مذهب از شیعیان این کشورهاست. آنها با این افکار بر موج شیعه هراسی در منطقه دامن زدند. (موسوی، باقری و موسوی، ۱۳۹۲: ص ۸)

به طور کلی هدف اصلی از طرح هلال شیعی را می‌توان ایجاد تنش و درگیری و راه انداختن جنگ میان شیعیان و اهل تسنن دانست. ادعای شکل‌گیری هلال شیعی از سوی سران عرب با هدف تضعیف ایران همراه است. (آدمی، حبیبی و بخشی، ۱۳۹۱: ص ۱۰-۱۱)

از سویی ایران هراسی موضوع جدیدی در منطقه خاورمیانه نیست. آمریکا همواره تلاش داشته با گسترش موج ایران هراسی به فروش تسلیحات و حضور سیاسی و نظامی خود در منطقه خاورمیانه بیفزاید. حاصل این تلاش‌ها ارائه تصویری منفی از نظام جمهوری اسلامی در افکار عمومی جهان و تلاش برای تضعیف امنیت هستی‌شناسی ایران در طول سی سال گذشته بوده است. موج بیداری اسلامی سبب شده است فشارهای مضاعفی بر کشور وارد شود فشارهایی که به شدت از میزان قدرت نرم ایران در منطقه و جهان می‌کاهد و می‌تواند پیامدهای منفی امنیت سیاسی، نظامی، اقتصادی داشته باشد. (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ص ۲۲)

۲-۴- تشدید رقابت درون منطقه‌ای

استفان والت معتقد است که اساس تشکیل ائتلاف در سطح بین‌المللی، توازن تهدید است، نه توازن قدرت. دولت‌ها در واکنش به تهدید، ائتلاف با یکدیگر را مدنظر قرار می‌دهند؛ تهدیدهایی که شاید همه آنها بر پایه قدرت دولت‌های متعارض استوار نباشند. به همین دلیل، والت اساس تهدیدها و در نتیجه اساس واکنش دولت‌های معطوف به برقراری توازن یا دنباله روی را، بیشتر در امیال و مقاصد می‌بیند تا در قدرت محض. با توجه به ایران هراسی که آمریکا تبلیغ کرده است سوءظن درباره ایران جدی‌تر

خواهد بود. بنابراین ممکن است با به ثمر رسیدن انقلاب مردم یمن و ایجاد هم پیمان جدید برای ایران و در نتیجه افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه دیگر کشورها احساس خطر کنند و ضمن کاهش سطح روابط با ایران، پیمان‌های جدیدی در مقابل ایران تشکیل دهند. (قربانی شیخ نشین و کارآزما، ۱۳۹۱: ص ۸)

به همین دلیل عربستان برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه اقدامات زیادی انجام داده است (تلاش برای سقوط دولت شیعی به رهبری نوری مالکی در عراق، تشدید اختلافات مذهبی در کنار حمایت از معترضان سوری و تلاش برای سرنگونی حکومت بشار اسد در سوریه، اقدام نظامی علیه کشور یمن) و تلاش می‌کند با حل و فصل مشکلات و بحران‌های موجود در منطقه جایگاه خود را بهبود بخشد و در چارچوب اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای علیه ایران از قدرت و نفوذ ایران بکاهد. (موسوی، باقری و موسوی، ۱۳۹۲: ص ۸)

۳-۴- تثبیت نشدن انقلاب مردم یمن

همیشه جهت‌گیری بعدی انقلاب‌ها اهمیت بیشتری از منشا آن‌ها دارد. انقلاب مردم یمن نیز هنوز تثبیت نشده و در معرض آسیب‌های درونی و بیرونی قرار دارد و ممکن است از مسیر تحقق اهداف انقلابی منحرف شود.

۴-۴- مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای

در تنگنا قرار دادن ایران از طریق محدود کردن حوزه نفوذ ایران در منطقه و کاهش ایفای نقش ایران به عنوان قدرت متنفذ منطقه‌ای از اهداف حضور آمریکا در منطقه است؛ چنان که آمریکا بارها پس از جنگ سرد، ایران را به عنوان یکی از تهدیدهای عمده نسبت به منافع ملی خویش اعلام کرده است. در بحران یمن نیز عربستان به نیابت از آمریکا با حمله نظامی درصدد حل این بحران هستند. (موسوی، باقری و موسوی، ۱۳۹۲: ص ۸)

۵-۴- دو الگو در مقابل انقلابیون است: ایران و ترکیه

تردیدی نیست که مردم کشور یمن اقتدارگرایی را نمی‌خواهند و خواهان تحقق یک نظام سیاسی مبتنی بر اسلام و مردم‌سالاری هستند تا آنها را نسبت به حل مسئله توسعه نیافتگی و نهایتاً تامین استقلال قادر سازد. همواره دو الگو در برابر انقلابیون یمن قرار دارد: عده‌ای برقراری الگویی شبیه آنچه

در ایران حاکمیت دارد یعنی جمهوری اسلامی و نظم مردم سالاری دینی را برای آینده این جنبش پیش‌بینی می‌کنند، عده‌ای دیگر تلاش می‌کنند تا با ایجاد کانون‌های جدید و ضریب دادن به ترکیه پس‌اسلام‌گرا که در قالب اقدامات گل و اردوغان، یک اسلام میانه رو را به نمایش گذاشته‌اند، مدلی به ظاهر کم هزینه‌تر را در مقابل جنبش مردمی یمن قرار دهند. (Fuller, 2015)

قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر عدم توفیق الگوی مردم سالاری دینی در نظر و عمل تاکید دارند. قدرت‌های محافظه کار عرب یا قدرت‌های سکولار در منطقه، دستیابی به مردم سالاری دینی را در تضاد با منافع ملی یا ساختار حکومتی خود می‌پندارند. عربستان به دلیل تهدیدهای مستقیم امنیتی، هویتی و ساختاری و ترکیه به دلیل کاهش قدرت نرم و الهام بخشی الگوی حکومتی سکولار این کشور در خاورمیانه با شکل‌گیری مردم سالاری دینی موافق نخواهد بود. رسانه‌های ترکیه به اتفاق دیپلمات‌های این کشور در سطحی گسترده برای اشاعه این اندیشه تلاش کردند که حزب حاکم ترکیه یعنی حزب عدالت و توسعه در جایگاه یک دولت نسبتاً موفق در ترکیه و دارای یک نگرش متفاوت از اسلام می‌تواند آلترناتیوی برای نظام‌های فروپاشیده عربی باشد همانطور که در فردای پیروزی انقلاب مصر و تونس ایده جدیدی به نام ارائه مدل دموکراسی ترکیه را به اعراب در دستور کار قرار داد. نکته قابل توجه آن که غرب نیز تمایل زیادی دارد ترکیه به عنوان الگوی اسلام میانه و معتدل در برابر الگوی اسلام افراطی و رادیکال در منطقه مطرح شود. به هر حال ایران و ترکیه در ارائه مدل حکومتی در منطقه در حال رقابت هستند. (جهان بین و پرتو، ۱۳۹۱: ص ۱۸)

آمریکا و متحد خاورمیانه‌ای آن یعنی اسرائیل نیز از تشکیل هر نوع حکومت اسلامی به دلیل تهدیدهای امنیتی ناشی از نیروهای اسلام‌گرا در ساختار سیاسی در هراسند و برای جلوگیری از شکل‌گیری ساختار سیاسی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند. (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ص ۱۶)

۴-۶- دو قطبی شدن خاورمیانه (محور مقاومت و محور سازش)

در اثر بیداری اسلامی در منطقه ایران، سوریه و لبنان در محور مقاومت در مقابل محور سازش به مرکزیت آمریکا، اسرائیل و عربستان قرار دارند. در شرایط متحول در توازن منطقه‌ای محور سازش تلاش می‌کند با همکاری یکدیگر و با موازنه سازی و مهار ایران از گستره نفوذ و تاثیرگذاری ایران در خاورمیانه بکاهد. (طاهری، دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ص ۱۴)

گسترش رقابت‌ها میان هر دو محور و برداشت‌های تهدیدآمیز از اقدامات یکدیگر، نه تنها بر درگیری و اختلاف نظرهای این کشورها افزوده است، بلکه این رقابت‌ها به حوزه‌های نفوذ و پیرامونی

این قدرت‌های منطقه‌ای یعنی بحرین، یمن و حتی عراق سرریز شده است. (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ص ۱۹-۲۰)

۷-۴- رقابت الگوی نظم منطقه‌ای در خاورمیانه

در میان قدرت‌های رقیب در منطقه، ایران حامی گفتمان اسلام انقلابی، ترکیه حامی اسلام سکولار و عربستان حامی گفتمان اسلام سلفی شناخته می‌شوند. رقابت‌های پیش رو در منطقه سبب شده است گفتمان‌های رقیب برای کسب سهم بیشتری از ساختار و قدرت سیاسی کشورهای منطقه به تضعیف و به حاشیه راندن یکدیگر همت گمارند. رقابت جدی ترکیه، عربستان و ایران برای عرضه مدل حکومتی خود به کشورهای منطقه از جمله یمن سبب افزایش اختلافات آنها شده است. ادامه یافتن این اختلافات در کنار تقویت حضور و نقش نیروهای فرامنطقه‌ای همچون آمریکا برای امنیت ملی ایران پیامدهای منفی خواهد داشت. (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ص ۱۸)

۸-۴- خلأ امنیتی در محیط پیرامون ایران

خیزش‌های جهان عرب از جمله یمن با فروپاشی نظام‌های سیاسی اقتدارگرا در برخی کشورهای منطقه باعث ایجاد سطحی از بی‌ثباتی و خلأ قدرت در منطقه شده و رهبران جدید نیز برای تثبیت و تحکیم نظام سیاسی نو نیازمند دوره گذار هستند. بنابراین، هرگونه تداوم بی‌ثباتی ناشی از تشدید تنش‌های فرقه‌ای و قبیله‌ای، احتمال بروز جنگ داخلی در کشورهای بحران زده و بهره‌گیری گروه‌های افراط‌گرای تکفیری-سلفی، به ویژه داعش، از خلأ قدرت موجود در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند امنیت ملی بازیگران منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار دهد. (هوشی سادات، ۱۳۹۳)

۵- قوت

۵-۱- چهره تاریخی مثبت ایران

ایران قرن‌ها است که به هیچ کشوری حمله نکرده و آغازگر هیچ جنگی در گذشته نبوده حتی با وجود اینکه عراق در سال ۱۹۸۰ به ایران حمله کرد، ایران پس از هشت سال جنگ در پی انتقام جویی از این کشور برنیامد. علاوه بر آن ایران برای تأمین صلح در خاورمیانه هیچ گاه به روش‌های جنگ طلبانه‌ای که تحت عنوان «جنگ پیش‌دستانه» تئوریزه می‌شود متوسل نشده و تلاش کرده با ارائه طرح‌های سیاسی، جلوی نظامی‌گری در منطقه را بگیرد.

آن گاه که برخی فشارهای منطقه‌ای، باعث شده بود جبهه‌ای غربی علیه دولت سوریه گشوده شود، این چتر صلح ایران بود که مانع شعله ور شدن آتش جنگ در منطقه شد و آن گاه که تروریست‌های داعش در راه فتح بغداد و غارت کردستان بودند، باز هم توان بازدارندگی تهران است که نمی‌گذارد ویروس تروریسم فراگیر شود. همینطور در مورد افغانستان و عراق هم ایران همیشه به دنبال راه حل‌های سیاسی برای حل بحران در این کشورها بوده است. بنابراین برای محدود شدن عملیات نظامی علیه یمن، باید تاریخچه استفاده تهران از ظرفیت‌های خود برای تأمین ثبات منطقه را دریافت و از یاد نبرد که نقشه جدید خاورمیانه را نه جنگ، که قدرت نرم کشورها ترسیم خواهد کرد. (سلیمانی و قاسمی، ۱۳۹۳: ص ۵۲)

۵-۲- نقش منطقه‌ای

ایران از سال ۲۰۰۱ برای حل بحران‌های موجود در افغانستان و عراق نقش مثبتی را ایفا کرده است. و درست است که ایران حمله آمریکا به افغانستان در ۲۰۰۱ را به بهانه مقابله با تروریسم محکوم کرد اما بعد از سقوط طالبان خیلی زود در روند بازسازی افغانستان و ایجاد ساختار قدرت با نیروهای بین المللی همراه شد. در کنفرانس بن که در راستای تصمیمات سازمان ملل برای روند انتقال قدرت به دولتی موقت در افغانستان تشکیل شد، نمایندگانی از کشورهای مختلف از جمله ایران و اتحادیه اروپا به عنوان ناظر در مراسم افتتاحیه حضور داشتند. نتیجه این کنفرانس، دولتی به ریاست حامد کرزای بود که ایران بلافاصله آن را به رسمیت شناخت و با محور قراردادن نقش سازمان ملل متحد همکاری موثری در برقراری ثبات و امنیت در این کشور داشت.

ایران حمله به عراق در ۲۰۰۳ را بسیار جدی تر از افغانستان محکوم کرد و از همان ابتدا خواهان جلوگیری و یا پایان جنگ بود و رایزنی‌های دیپلماتیک بسیاری در این راستا انجام داد ولی بعد از حمله آمریکا و سرنگونی رژیم صدام و شکل‌گیری نظام سیاسی دموکراتیک و مبتنی بر مشارکت تمامی گروه‌های عراق در ساختار قدرت و به ویژه راه‌یابی گروه‌های شیعی در ساختار قدرت شرایط جدیدی را ایجاد کرده که علاوه بر پایان یافتن تهدیدات امنیتی ناشی از عراق برای ایران این کشور به شریک اقتصادی و سیاسی ایران تبدیل شده است (تلاش ایران برای رفع اختلافات گروه‌های عراقی از جمله راهبردهای ایران برای کمک به ایجاد ثبات و امنیت در عراق محسوب می‌شود که علیرغم داشتن روابط مخاصمه آمیز با آمریکا و با توجه به دعوت دولت عراق، مذاکره با آمریکا را برای برقراری ثبات در عراق پذیرفت و در همه کنفرانس‌های منطقه‌ای مربوط به امنیت عراق مشارکت فعال داشت). این در حالی بود که در عراق آمریکا تلاش زیادی کرد تا شیعیان را منزوی کند و نظامی سکولار بوجود آورد تا ایران را از معادلات قدرت در منطقه حذف کند ولی ناخواسته موازنه قوا به نفع ایران تغییر کرد. (شه بخش، ۱۳۹۰: ص ۷۰)

بنابراین ایران در هیچ یک از دو جنگی که در عراق و افغانستان رخ داد از متحدان آمریکا نبود و موضع مستقل خود را دنبال کرد اما از موثرترین کشورها در فرآیند دولت سازی در این دو کشور بود که در کنار جنگ ۳۳ روزه حزب الله لبنان و اسرائیل باعث افزایش فوق العاده نقش منطقه‌ای و جهانی ایران شد.

در بحران سوریه در ۲۰۱۱ ایران به صورت جدی از نظام حاکم سوریه حمایت کرد. گذشته از حمایت دیپلماتیک حتی از کمک‌های فنی و نظامی نیز دریغ نکرد در واقع از همه قابلیت‌های خود برای حفظ رژیم سوریه استفاده کرد که موفق هم شد. ایران با ایفای نقشی فعال از همه گزینه‌هایی که مذاکره، گفت‌وگو و روش‌های مسالمت‌آمیز را برای حل مسائل سوریه در برمی‌گرفت، حمایت کرد و در مقابل با روش‌هایی که دخالت خارجی یا حمله نظامی به این کشور را مطرح می‌کرد، مخالفت کرد. (خانی، ۱۳۹۲: ص ۹۱)

بنابراین حضور فعال و نقش مثبت ایران برای حل بحران‌های افغانستان، عراق، لبنان، سوریه نشان می‌دهد که پتانسیل کافی برای حل بحران در یمن را نیز دارد.

۵-۳- الگوی موفق جمهوری اسلامی در ایران

کشورهای خاورمیانه علاوه بر مستبد بودن حاکمان از قرن نوزدهم به اشغال استعمارگران درآمدند (اشغال مصر توسط ناپلئون، اشغال عراق، سوریه و لبنان توسط انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها و ...) حتی بعد از استقلال نیز شاهد دخالت‌های آمریکا در کشورشان بودند. به همین دلایل مردم این کشورها بر علیه استبداد و استکبار قیام کردند و با سرنگونی حاکمان مستبد خواستار حکومتی مردمی شدند. از آنجا که نهضت بیداری در ایران به ثمر نشست و انقلاب اسلامی تنها حکومت اسلامی و اولین منطقه آزاد اسلامی رها از سیطره استبداد داخلی و استعمار خارجی شکل داد، جمهوری اسلامی به طور قطع می‌تواند الگویی منطقی برای مبارزان مسلمان منطقه باشد. بنابراین کشورهای منطقه از جمله یمن حرکت‌های اصلاحی را با تاثیر از انقلاب اسلامی ایران، علیه حکام ظالم و مستبد کشور خود برای برقراری حکومت اسلامی پیش می‌گیرند و به مبارزه با سلطه و نفوذ کشورهای استعمارگر می‌پردازند. (سلیمانی و قاسمی، ۱۳۹۳: ص ۵۹)

۵-۴- نگاه ایران در ارتباط با کشورهای منطقه نگاهی ژئوپلیتیک است

هر کشور در محیطی جغرافیایی - منطقه‌ای واقع شده است. معمولا کشورها در محدوده منطقه‌ای خود بیشترین فعالیت را دارند و بیشترین تاثیر را از همین محیط می‌پذیرند. پس محیط بلافصل جغرافیایی برای هر کشور با عنوان محیط منطقه‌ای از اولین ملاحظات تعیین کننده محسوب می‌شود. بنابراین دولت‌ها به عنوان بزرگترین بازیگر سیاسی خط مشی و سیاست‌ها و الگوی رفتاری خود نسبت به یک

فضا را بر اساس تصور ژئوپلیتیکی شکل می‌دهند؛ به طوری که عمل سیاسی یک کشور نسبت به کشور دیگر ناشی از تصور ژئوپلیتیکی آن است.

اهمیت ژئوپلیتیک خاورمیانه را در تئوری‌های زیادی می‌توان یافت: مثلاً بر اساس تئوری هارتلند هر کشوری منابع انسانی و فیزیکی اوراسیا واقع بین آلمان و سیبری مرکزی را در اختیار داشته باشد می‌تواند جهان را کنترل کند. اساس تز معروف مکیندر این بود که حوزه داخلی اوراسیا منطقه محوری سیاسی جهان است که این منطقه محوری توسط یک حاشیه هلالی شکل محاصره می‌شود که خاورمیانه در آن جای دارد. (آدمی، حبیبی و بخشی، ۱۳۹۱: ص ۱۴۸)

در فضای جدیدی که بعد از تحولات ۲۰۱۱ بر کشورهای خاورمیانه سایه افکنده است، ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک منحصر به فرد در این منطقه، در یکی از حساس‌ترین دوران تاریخی خود به سر می‌برد. این دگرگونی سیاسی-امنیتی در خاورمیانه از یک سو می‌تواند برای امنیت ملی ایران فرصتهایی بوجود آورد و از سوی دیگر چالش‌هایی را به همراه داشته باشد. درک عمیق نسبت به این فرصت‌ها و چالش‌ها می‌تواند نقش بسیار مهمی در امنیت ملی ایران ایفا کند. (موسوی، باقری و موسوی، ۱۳۹۲: ص ۴)

۶- ضعف

۶-۱- آرمانگرا بودن سیاست خارجی ایران

انقلاب ایران از یک طرف در ارتباط با استراتژی صدور انقلاب بر آگاه کردن مسلمانان تاکید دارد که نگرش تکامل‌گرای انقلاب اسلامی دیدگاه آرمانگرایانه‌ای را در روابط بین‌المللی معاصر به ظهور رساند و از طرف دیگر به دلیل آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی که دفاع از ملت‌های مظلوم و جنبش‌های حق‌طلبانه از جمله آنهاست، و نقش هدایت‌گری این کشور در بیداری اسلامی و نیز انتظاراتی که ملت‌های مسلمان منطقه از آن دارند، در قبال بیداری اسلامی در خاورمیانه یا هر نقطه دیگر در جهان مسئولیت دارد و خود را به حمایت از این جنبش‌ها ملزم می‌داند.

در واقع آرمانگرایی ضمن تایید الگوبرداری انقلاب‌های مردمی منطقه از انقلاب اسلامی ایران، معتقد است ایران در قبال این تحولات مسئول است و باید برای حمایت از این جنبش‌ها، تحرک بیشتری داشته باشد. بر اساس این دیدگاه ایران حتی اجازه دارد برای کمک به معترضان منطقه از جمله یمن که حکومتشان جنایتکارانه آنها را سرکوب می‌کند، نیروی نظامی به این کشور اعزام کند. این دیدگاه باعث جهت‌گیری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌شود. (قربانی شیخ نشین و کارآزما، ۱۳۹۱: ص ۱۱)

۶-۲- ایدئولوژیک بودن انقلاب اسلامی

سیاست خارجی ایران بر پایه یکسری اصول و مبانی بنا شده است که این اصول راهنمای رفتار و کنش سیاست خارجی ایران در عرصه بین المللی قرار می‌گیرند. به استناد قانون اساسی برخی از مهم‌ترین اصول سیاست خارجی ایران عبارتند از: نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش، حمایت و دفاع از مسلمانان. این اصول نشان‌دهنده موضعگیری خاصی است و با توجه به این اصول، دستگاه دیپلماسی به دنبال دفاع از هویت و تمامیت ارضی و ارزشی خود و همینطور سایر کشورهای اسلامی است و این حمایت و سیاست‌ها به هیچ‌رو بر بنیاد تهاجم و توسعه طلبی نسبت به کشورهای منطقه قرار نگرفته است. اما دولت‌های منطقه همواره مواضع خصمانه‌ای را در قبال ایران اتخاذ نموده‌اند که این مواضع بیشتر به دلیل برداشت تهاجمی و ایدئولوژیک این کشورها از اصول و مبانی انقلاب اسلامی ایران می‌باشد. (جعفری و قاسمی، ۱۳۹۳: ص ۸)

از جمله سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دستگاه سیاست خارجی ایران که باعث حساس شدن و نگرانی کشورهای عربی منطقه و آمریکا شده است می‌توان به جهت‌گیری نسبت به پدیده بیداری اسلامی و خیزش‌های مردمی منطقه، اشاره کرد، امری که حاکی از آن دانسته می‌شود که ایران به دنبال افزایش نقش و قدرت نسبی خود (برقراری اتحاد اسلامی تحت عنوان هلال شیعی) در منطقه خاورمیانه است. این برداشت سبب شده است که کشورهای عرب منطقه، سیاست خارجی ایران را تهاجمی و توسعه طلبانه بدانند. (آدمی، حبیبی و بخشی، ۱۳۹۱: صص ۲ و ۴ و ۵)

۶-۳- ایران هنوز از سطح امنیتی در ارتباط با همسایگان خود عبور نکرده است

به طور کلی اساس سیاست خارجی ایران در ارتباط با همسایگان خود بر این پایه قرار داشته است که حفظ امنیت آنها در گرو حفظ امنیت جمهوری اسلامی قرار دارد. به عبارت دیگر هر نوع تهدید امنیتی جمهوری اسلامی متضمن تهدید امنیتی همسایگان خواهد بود. بنابراین ایران بعد از فروپاشی رژیم مستبد یمن، جهت جلوگیری از قدرت یافتن عربستان در راستای ایدئولوژی وهابیت که تهدیدی امنیتی برای ایران به حساب می‌آید، نقش فعالی را ایفا می‌کند. شکننده بودن امنیت در منطقه خاورمیانه به گونه‌ای است که هر گونه تغییر در ژئوپلیتیک منطقه همانند بازی دومینو می‌تواند امنیت ملی سایر کشورهای منطقه و حتی امنیت جهانی را در معرض خطر و تغییر قرار دهد. (جعفری و قاسمی، ۱۳۹۳: ص ۱۸)

۶-۴- مذاکرات هسته‌ای

باید اذعان کرد نقش وزارت امور خارجه در موضوعات سیاست خارجی، در دولت به شدت کاهش یافت و

تغییر آن، دشواری‌هایی دارد که هنوز به‌طور کامل ممکن نشده است. درگیر بودن دکتر ظریف به‌عنوان رئیس دستگاه دیپلماسی در مهم‌ترین چالش بین‌المللی ایران در پرونده هسته‌ای باعث شده ورود به موضوعات منطقه‌ای هم انرژی زیادی از دستگاه دیپلماسی بگیرد و کار در این حوزه را دشوارتر سازد. در کنار این مسائل، ضعف مدیریت فضای دیپلماتیک پیرامون موضوع یمن از سوی مسئولان مربوط در وزارت خارجه و برخی ناهماهنگی‌ها در اعلام مواضع از سوی بعضی از چهره‌های غیرمسئول (اقدام عربستان در ممانعت از فرود هواپیمای کمک‌رسان ایران در فرودگاه صنعا و بمباران برج مراقبت و باند فرودگاه، موضع‌گیری تند مقامات نظامی کشورمان را در پی داشت)، فضای امنیتی منطقه و ایران را وارد فاز تازه‌ای کرده است. هم‌چنین رسیدن به توافقات در پرونده هسته‌ای ایران باعث تشدید فشارهای غرب در محدود سازی ایران از اهدافش در یمن می‌شود.

۶-۵- واکنش جانبداران، صریح و شفاف ایران از یمن (شیعیان)

ایران عملیات نظامی عربستان به یمن را نقض کننده حاکمیت یمن دانست و خواستار توقف آن شد. صدا و سیما نیز اخبار جنگ یمن را به شکل کم‌سابقه‌ای پوشش می‌دهد که به گونه‌ای آن را با تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان (جنگ ۳۳ روزه با حزب‌الله) یا جنایات این رژیم در حمله وحشیانه به نوار غزه (جنگ ۲۲ و ۹ روزه) شبیه می‌داند. از طرف دیگر به خاطر موضعگیری ایران، آمریکا و عربستان کشور را متهم به دخالت در مسائل داخلی یمن می‌کنند و کشتی حامل کمک‌های بشردوستانه ایران (محموله‌های غذایی و دارویی) را حاوی سلاح و مهمات نظامی می‌دانند. (جهان بین و پرتو، ۱۳۹۱: ص ۱۲۸)

برای اولین بار پس از جنگ تحمیلی هشت‌ساله، برخی اعراب به بهانه جنگ یمن به ایجاد ائتلاف علیه ایران پرداخته‌اند. این رویدادی ناخوشایند در روابط خارجی ماست که باید آن را مدیریت کرد. نباید نادیده بگیریم که عربستان سعودی از قدرت و نفوذ بالایی در بین کشورهای عربی و نهادهای بین‌المللی برخوردار است. همانطور که ملاحظه کردیم که شورای امنیت سازمان ملل با ۱۴ رأی موافق و تنها رأی ممتنع روسیه قطع‌نامه‌ای را که عینا خواسته عربستان سعودی و شورای همکاری خلیج فارس بود تصویب کرد.

ماتریس SOWT و نحوه تعیین استراتژی

ماتریس SOWT	نقاط قوت S	نقاط ضعف W
فرصت O	استراتژی تهاجمی SO	استراتژی بازنگری، تغییر جهت و محافظه کارانه WO
تهدید T	استراتژی تنوع و رقابتی ST	استراتژی تدافعی WT

تجزیه و تحلیل بحران یمن بر اساس مدل SOWT و نحوه اتخاذ استراتژی مناسب

<p>نقاط ضعف W</p> <p>W1- آرمانگرا بودن سیاست خارجی ایران W2- ایدئولوژیک بودن انقلاب اسلامی ایران W3- ایران هنوز از سطح امنیتی در ارتباط با همسایگان خود عبور نکرده است W4- مذاکرات هسته ای W 5- واکنش جانبدارانه، صریح و شفاف ایران از شیعیان یمن</p>	<p>نقاط قوت S</p> <p>S1- چهره تاریخی مثبت ایران S2- نقش منطقه ای S3- الگوی موفق جمهوری اسلامی ایران S4- نگاه ژئوپلیتیک ایران در ارتباط با کشورهای منطقه</p>	<p>تحلیل SWOT</p> 
<p>WO1- ائتلاف سیاسی با گروه‌ها و دولت‌های دوست ایران در رابطه با یمن و در جهت حفظ ارزش استراتژیک نقش منطقه‌ای ایران در نزد آمریکا و متحدان عربی آن WO2- ایفای نقش فعال و مثبت ایران در رایزنی با دیگر کشورهای اسلامی برای حل بحران یمن WO3- حمایت از مردم یمن در جنبش غیر متعهدها با توجه به اینکه ایران رئیس دوره‌ای جنبش غیرمتعهدهاست و این جنبش با داشتن بیش از ۱۲۰ عضو بزرگترین فراکسیون سازمان ملل متحد است. WO4- حمایت و تبلیغات رسانه‌ای گسترده جهت مخالفت با تداوم کشتار مردم یمن WO5- فرستادن کمک‌های بشردوستانه و یاری رساندن به بازسازی یمن</p>	<p>SO1- تلاش برای خروج شیعیان از انزوای سیاسی و اجتماعی با استفاده از فرصت پیش آمده ناشی از برکناری حکومت استبدادی یمن SO2- تقویت نقش شیعیان یمن در ساختار سیاسی و دسترسی به قدرت با استفاده از فضای دموکراتیک ناشی از تغییرات به وجود آمده در یمن SO3- تلاش برای نهادینه ساختن نظام دموکراتیک در یمن با هدف رفع بی ثباتی سیاسی و از بین بردن تنش در میان شیعیان SO4- استفاده از فرصت بوجود آمده ناشی از نقش آفرینی ژئوپلیتیک تشیع در جهت رفع تبعیض بر ضد شیعیان یمن و تقویت جایگاه ژئوپلیتیک تشیع SO5- استفاده از ظرفیت موجود برای تبلیغ و معرفی مولفه‌های هویتی مکتب تشیع</p>	<p>فرصت‌ها O</p> <p>O1- افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران O2- گسترش نفوذ ایدئولوژیک ایران O3- روی کار آمدن رژیم همسو با ایران O4- قدرت یافتن شیعیان و فضای مانور بیشتر برای ایران در منطقه O5- سرنگونی رژیم یمن که رویکردی استبدادی و ضد اسلامی داشت O6- تنزل جایگاه و تضعیف اسرائیل در منطقه O7- مخالفت با سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا O8- بر هم خوردن موازنه قوای منطقه</p>
<p>WT1- تقویت همبستگی و اتحاد میان شیعیان یمن با استفاده از تهدید بالقوه حضور آمریکا در منطقه WT2- بهره‌گیری از موقعیت بوجود آمده ناشی از خیزش آزادی خواهی شیعیان یمن برای شناساندن ارزش‌های فرهنگی و معنوی تشیع</p>	<p>ST1- ارائه الگوی مطلوب برای نحوه پایان جنگ به انصارالله با توجه به تجربه ایران (محتوای قطعنامه ۵۹۸) ST2- ارائه الگوی مطلوب جهت انتقال مسالمت آمیز قدرت در یمن ST3- کمک به تشکیل دولت وحدت ملی در یمن ST4- استفاده حداکثری از موقعیت ژئوپلیتیک شیعیان یمن در راستای تاثیرگذاری بر منافع آمریکا و همسو ساختن آن کشور با ایران به منظور تقویت جایگاه شیعیان در منطقه</p>	<p>تهدیدات T</p> <p>T1- شیعه هراسی/ایران هراسی T2- تشدید رقابت درون منطقه ای T3- تثبیت نشدن انقلاب مردم یمن T4- مداخلات قدرت‌های فرامنطقه ای T5- دو الگو در مقابل انقلابیون است: ایران و ترکیه T6- دو قطبی شدن خاورمیانه (محور مقاومت و محور سازش) T7- رقابت الگوی نظم منطقه‌ای در خاورمیانه T8- خلا امنیتی در محیط پیرامونی ایران</p>

۲۳

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

یاداری اسلامی

انقلاب یمن؛ فرصت‌ها و چالش‌های ایران بر اساس مدل راهبردی SWOT

مترجمان قربانی و همکار

نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش، انقلاب یمن را نباید صرفاً در سطح داخلی بررسی کرد چراکه تبعات منطقه‌ای و حتی بین‌المللی در پی دارد.

در سطح داخلی از یک طرف می‌توان به سرنگونی رژیم‌های که رویکرد استبدادی و غربی داشت و از طرف دیگر به ایجاد زمینه‌هایی برای روی کار آمدن یک دولت همسو با ایران (بخاطر پیروزی‌های انصارالله) اشاره کرد که نه تنها می‌تواند بر ضریب امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه بیفزاید، بلکه زمینه را برای همکاری‌های گسترده‌تر میان جمهوری اسلامی ایران و دولت انتخابی در یمن فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، دستیابی به اهدافی همچون وحدت میان کشورهای اسلامی که از ابتدای انقلاب ایران همواره یکی از اهداف مورد تاکید جمهوری اسلامی ایران بوده است تنها در صورت تحقق نظام‌های مردم سالار در این کشور امکان پذیر است. لذا با پیوستن یمن به محور مقاومت، ایران می‌تواند جایگاه خود در منطقه را ارتقا دهد.

نگرانی بیشتر مربوط به تبعات منطقه‌ای آن است که سرایت بحران از داخل به خارج و مداخله نظامی عربستان در روند سرکوب اعتراضات به هنگام شروع بحران است که چالش جدیدی در روابط عربستان با جمهوری اسلامی ایران به عنوان دو قدرت اثرگذار منطقه برجای گذاشته و به اختلافات منطقه‌ای دو طرف افزوده است. به عبارت دیگر بیشترین نگرانی از بحران در یمن به خاطر اثراتی است که می‌تواند بر موازنه قوا در منطقه بر جای گذارد. از طرف دیگر تقویت گفتمان مقاومت اسلامی و تضعیف گفتمان سازش دال بر تضعیف اسرائیل به عنوان مهم‌ترین رقیب/تهدید علیه ایران می‌باشد. تضعیف اسرائیل می‌تواند فرصت‌های مناسبی برای ایران در راستای بسط امنیت همه جانبه خود فراهم آورد.

در سطح بین‌المللی باید به نقش آمریکا در یمن پرداخت. آمریکا بعد از برکناری صالح سعی کرد با مدیریت و جهت دهی به انقلاب یمن حکومت مورد نظر خود را سرکار بیاورد که موفق شد. ولی بعد از انقلاب دوم و فرار منصور هادی عرصه را به عربستان واگذار کردند تا از طریق این کشور به مدیریت تحولات یمن بپردازند. در واقع هدایت و کنترل قیام‌های مردمی با هدف روی کار آوردن رهبران همسو یا دست کم جلوگیری از روی کار آمدن رهبران انقلابی و غرب ستیز از اهداف آمریکاست ولی شواهد عینی تحولات اخیر یمن نشان از شکست طرح‌های آمریکایی و کناره‌گیری نسبی آمریکا به عنوان دشمن ایران شده است.

با توجه به فرصت‌ها و چالش‌ها در سطوح مختلف، بهترین دیپلماسی که ایران می‌تواند برای حفظ و افزایش قدرت و امنیت خود اتخاذ کند عبارتند از:

۲۴

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

انقلاب یمن؛ فرصت‌ها و چالش‌های ایران بر اساس مدل راهبردی SWOT

مؤلفان قربانی و همکار

- ۱- کمک به شکل‌گیری دولتی قدرتمند و توانمند در یمن برای مدیریت منازعات و بی‌ثباتی‌های درونی (تشکیل دولت وحدت ملی) و فراهم آوردن زمینه‌های مذاکرات بین طرفهای درگیر در یمن
- ۲- حمایت و تبلیغات رسانه‌ای در جهت حمایت از مردم یمن
- ۳- فرستادن کمک‌های بشردوستانه
- ۴- حمایت از مردم یمن در سازمان‌های بین‌المللی در جهت کاهش بی‌ثباتی‌ها و تثبیت و تقویت ساختارهای سیاسی و اقتصادی
- ۵- ائتلاف سیاسی با دیگر دولت‌ها در جهت حمایت از مردم یمن

۲۵

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

انقلاب یمن؛ فرصت‌ها و چالش‌های ایران بر اساس مدل راهبردی SWOT

مژگان قربانی و همکار



منابع

منابع فارسی:

- آدمی، علی، حبیبی، سیدمهدی و بخشی تلیایی، رامین (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و پروژه ایران هراسی دولت‌های عربی منطقه»، **پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال اول، شماره ۲، صص ۱۶۰-۱۴۱.
- بابایی، پویان (۱۳۹۴)، «علل گرایش به محور مقاومت در یمن»، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، سال شانزدهم، شماره ۲، صص ۱۰۸-۸۵.
- بلوری، جعفر (۲۴ بهمن ۹۳)، «یمن و فرمول انقلاب اسلامی»،
<http://kayhan.ir/fa/print/37548>
- جعفری، سیداصغر و قاسمی، علیرضا (۱۳۹۳)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۷۴-۵۳.
- جهان بین، فرزاد و پرتو، فتح اله (۱۳۹۱)، «راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنبش بیداری اسلامی اخیر»، **پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال اول، شماره ۳، صص ۱۴۳-۱۱۷.
- خانی، حسین (۱۳۹۲)، «خیزش‌های اسلامی در جهان عرب: ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۳، شماره ۴، صص ۹۷-۸۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و فرازی، مهدی، (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال نهم، شماره ۲۸، صص ۱۹۰-۱۶۳.
- زارعی، سعداله (۲۵ بهمن ۹۳)، «سایه روشن تحولات یمن»، <http://kayhan.ir/fa/print/37664>
- سلیمانی، رضا و قاسمی، بهزاد (۱۳۹۳)، «مقایسه رویکرد انقلاب اسلامی و ایالات متحده به نقش مردم در بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه (۲۰۱۴-۲۰۱۱)»، **پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۶۴-۴۵.
- شه بخش، یعقوب (۱۳۸۹-۱۳۹۰)، «نگاهی به خیزش‌های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا»، **ندای اسلام**، شماره ۴۵-۴۴، صص ۷۱-۶۷.
- شیرازی، حبیب اله و مظلوم طبائی زواره، سید رضا (۱۳۹۱)، «کالبدشکافی انقلاب صورتی در یمن و نقش عربستان در سرکوب آن»، **پژوهشنامه روابط بین الملل**، صص ۷۶-۳۷.

- صادقی، حسین و احمدیان، حسن (۱۳۸۹)، «دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن: امکانات و چالش‌ها»، **فصلنامه راهبرد**، سال نوزدهم، شماره ۵۶، صص ۲۷۰-۲۵۳.
- طاهری، سید مهدی و دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۳)، «تاثیر بیداری اسلامی بر موقعیت آمریکا در خاورمیانه»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال یازدهم، شماره ۳۷، صص ۴۴-۲۷.
- قربانی شیخ نشین، ارسلان و کارآزما، جواد (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و دستگاه دیپلماسی ایران: فرصت‌ها و تهدیدها»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال نهم، شماره ۲۸، صص ۹۴-۷۷.
- مددی، جواد (۱۳۹۳)، «نقش انصارالله در رهبری تحولات یمن»، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، سال پانزدهم، شماره ۲، صص ۵۶-۳۳.
- مددی، جواد (۱۳۹۴)، «بحران یمن: الزامات رویارویی با ائتلاف سعودی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، سال شانزدهم، شماره ۲، صص ۸۳-۶۱.
- مقیمی، غلامحسن و ستوده، محمد، (۱۳۹۲)، «بیداری اسلامی و توهم شیعه‌هراسی (چالش‌ها و راهکارها)»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال دهم، شماره ۳۳، صص ۲۶۸-۲۴۹.
- موسوی، سید محمد، باقری، مریم و موسوی، سید محمدرضا (۱۳۹۲)، «علل و ریشه‌های خیزش مردم کشورهای لیبی و یمن ۲۰۱۱-۲۰۱۰»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، سال نهم، شماره ۲۳، صص ۲۲۱-۱۹۷.
- هوشی سادات، سید محمد (۲۸ اسفند ۹۳)، «روابط ایران و یمن: چالش‌ها و فرصت‌ها»،
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1945257>
- (۱۳ فروردین ۹۴)، «انصارالله یمن: عربستان درصدد ایجاد شکاف بین انصارالله و علی عبدالله صالح است»، <http://namehnews.ir/fa/news/224774>.

منابع لاتین

- Fuller, Graham. (2015/04/23) "Why the Crisis in Yemen Could Tilt Mideast Power From Saudi Arabia Toward Iran, Turkey and Pakistan", http://www.huffingtonpost.com/graham-e-fuller/yemen-crisis-mideast-power-shift_b_7118850.html
- Mariwany, Mend. (2015/04/10). "The Yemen Crisis Isn't About Yemen. It's About Saudi Arabia and Its Desire for Regional", http://linkis.com/muftah.org/The_Yemen_Crisis_Isn.html

Naiyf ,Rahma. (2015/03/27). "5 Facts You Need to Know About Yemen and its Conflicts", <http://nation.com.pk/blogs/30-Mar-2015/5-things-you-need-to-know-about-the-Yemen-conflict>

Park, sungtae, (February 2015). "fact sheet: Yemen", American Security Project

Sharp, Jeremy, 2015/03/26, Yemen": Civil War and Regional Intervention", Congressional Research Service

2015/05/12, "Yemen crisis More than Shia-Sunni battle ", <http://www.tribuneindia.com/news/comment/yemen-crisis-more-than-shia-sunni-battle/79116.html>

۲۸

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

انقلاب یمن؛ فرصت‌ها و چالش‌های ایران بر اساس مدل راهبردی SWOT

مؤلفان قربانی و همکار



